

واژه‌نامه؛ «فلسفه سیاسی فمینیستی»

آنچه پیش رو دارید، گزیده‌ای از مهم‌ترین واژگان متداول در حوزه مباحث جنسیت است. در این شماره با واژه «فلسفه سیاسی فمینیستی» آشنا می‌شویم.

وظیفه اصلی یک فرهنگ‌نامه ارائه خلاصه تحقیقات و نظریه‌های مطرح شده در ذیل هر مدخل است. از آنجا که این مباحث در فضای فرهنگ غربی شکل گرفته است، محتوای مدخل‌های زیر، گاه با موازین و اندیشه دینی همساز نیست. امید است محققان حوزه و دانشگاه در جهت غنابخشی به پژوهش‌های دینی در این عرصه تلاش افزون‌تری داشته باشند.

فلسفه سیاسی فمینیستی

سمیه عرب‌خراسانی

فلسفه سیاسی به توجیه مشروعیت دولت و تبیین چارچوب‌های نظری برای اعمال قدرت گفته می‌شود. فلسفه سیاسی فمینیستی همان مسائل را تا آنجا که به زنان مربوط است، بررسی می‌کند. البته این فلسفه در طول دو قرن گذشته تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته است.

فلسفه سیاسی فمینیستی با چاپ کتاب ماری ولستن کرافت در سال 1792 با عنوان دفاع از حقوق زن آغاز شد. او در فضای فلسفه عصر روشنگری، بر ضرورت تساوی حقوق زن و مرد از طریق یکسان‌بودن طبیعت هر دو جنس به عنوان موجودات عاقل استدلال می‌کرد. این نکته که مورد پذیرش کسانی چون «جان استوارت میل» و «هریت تایلر» نیز قرار گرفت، به عنوان عنصر اصلی فلسفه سیاسی فمینیستی در قرن نوزدهم پایدار ماند و «فمینیسم لیبرال» را سامان داد. دغدغه اصلی فمینیسم لیبرال، استیفای حقوق سیاسی و قانونی زنان در عین عادلانه دانستن ساختارهای سیاسی لیبرالیستی است و منشأ مظلومیت زنان را محرومیت ناموجه آنها از برابری حقوق می‌داند. از سوی دیگر، فمینیست‌های مارکسیست و سوسیالیست، مظلومیت زنان را محرومیت از نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌دانند و رفع تبعیض زنان را در تغییر این مناسبات می‌دانند.

در حالی‌که این دو جریان با فلسفه‌های سیاسی رایج توافق داشته و معتقدند که این فلسفه‌ها باید تصحیح و تکمیل شود، اما فمینیسم رادیکال ذاتاً با فلسفه سیاسی مخالفت می‌کند و آن را ابزاری برای مشروعیت بخشی به قدرت مردان می‌داند. از منظر فلسفه سیاسی، اهمیت فمینیسم رادیکال در بازسازی مفهوم «امر سیاسی» است؛ یعنی در حالی که فمینیسم لیبرال بر غیرعادلانه بودن قوانین موجود تأکید می‌کند و اصرار دارد حقوق مردان به زنان تعمیم یابد، اما فمینیست‌های رادیکال بی‌عدالتی قوانین موجود را بخشی از ساختار فراگیر سلطه مرد می‌دانند که از خانواده شروع می‌شود و به نهادهای سیاسی راه می‌یابد. به این ترتیب، مفهوم «جنس» به عنوان یک مفهوم پایه و اساسی برای اولین بار به فلسفه سیاسی غرب راه یافت. حمله به تقسیماتی چون حوزه عمومی و حوزه خصوصی، یکی از نتایج این گرایش است؛ از نظر این گروه، انحصار قلمرو سیاسی به حوزه عمومی، سازوکاری برای پنهان کردن عملکردهای وسیع

قدرت در عرصه خصوصی خانواده است. بنابراین باید گفت: اگر شخصی، سیاسی است.

البته فمینیست‌های رادیکال در تشخیص راه برون‌رفت از این ستم، یکسان نمی‌اندیشند. بعضی گمان می‌کنند که لازم است خود خانواده و نقش زن به عنوان مولد و مادر از بین برود و برخی دیگر معتقدند که باید از این نقش‌ها و نهادها ارزیابی جدیدی صورت گیرد. از این رو، یا باید ارزش‌های سیاسی را به گونه‌ای بازتعریف کرد که خصلت‌های زیستی و روانی زنان را در برگیرد و یا حتی خصلت‌های زنانه به عنوان مفاهیم محوری سیاست قرار گیرد. برای مثال، خصلت‌هایی چون مراقبت و مهربانی باید مکمل یا حتی جایگزین عدالت و مساوات در عرصه سیاست شود.

با این حال، هنوز فمینیست‌های رادیکال نتوانسته‌اند یک نظریه مثبت سیاسی و راهگشا را ارائه کنند. از این رو، گفته‌اند که فمینیسم رادیکال بیش از آن که یک فلسفه سیاسی باشد، ناقد فلسفه سیاسی رایج است.

در سال‌های اخیر، فلسفه سیاسی فمینیستی به شدت تحت تأثیر پست مدرنیسم قرار گرفته و از فمینیست‌های رادیکال هم قدم فراتر نهاده است. آنها با رد و انکار امکان دستیابی به حقیقت و عینیت، اندیشه و زبان رایج را ساخته مردان و عامل توجیه و تحکیم مردسالاری در عرصه سیاست می‌دانند و از این رو، فلسفه سیاسی فمینیستی را بدون تجدید نظر اساسی در ذهن و زبان سیاسی و اندیشیدن به سبک زنانه ناممکن می‌دانند. این جریان در نفی یقین و عینیت چنان پیش رفته است که حتی از سوی سایر فمینیست‌ها متهم شده است که این دیدگاه اساساً فمینیسم را از عقیده اصلی آن که نامساعد بودن وضعیت سیاسی زنان است، محروم می‌کند و آن را در حد یک تحلیل ذهنی فرو می‌کاهد.

در دهه‌های اخیر، گرایش تازه‌ای در فلسفه سیاسی فمینیستی پدید آمده است که طبقه‌بندی‌های گذشته را تا اندازه‌ای پشت سر می‌گذارد. این رویکرد به جای تمرکز بر مقولات خاص فمینیستی، تلاش می‌کند در پرتو روشنگری‌های فمینیسم، درک ما را از واقعیت‌های سیاسی جامعه عمیق‌تر سازد و راه‌هایی را که به بهبود شرایط سیاسی زنان می‌انجامد، به ما نشان دهد. در این نگاه، مساوات در حقوق سیاسی و شهروندی با توجه به تفاوت‌ها و واقعیت‌های زندگی زنان مورد تحلیل و توصیه قرار می‌گیرد.

خلاصه آنکه فلسفه سیاسی فمینیستی از زمان «ولستون کرافت» تا به امروز، با همه فراز و نشیب‌هایش، به اهمیت سیاسی تفاوت‌های زن و مرد و راه‌های سازگار کردن این تفاوت‌ها با مساوات سیاسی، اهتمام داشته است. این ایده، غالباً از طریق انتقاد از مفاهیم اصلی فلسفه سیاسی و گاهی با انتقاد از خود فلسفه سیاسی، تعقیب شده است. از این رو، فلسفه سیاسی فمینیستی، هم به شناخت نابرابری در واقعیت سیاسی زنان و هم به شناخت نادرستی مفاهیم و روش‌های فلسفه سیاسی متداول کمک کرده است.

حقیقت آن است که هنوز نمی‌توان اندیشه سیاسی فمینیسم را در حد یک فلسفه سیاسی مستقل به رسمیت شناخت. آنچه امروزه به این نام خوانده می‌شود یا نقد و حاشیه‌ای بر فلسفه سیاسی رایج است یا مجموعه‌ای از انگاره‌ها و نظریه‌های پراکنده سیاسی که تا رسیدن به ساحت یک فلسفه مدون هنوز فاصله فراوان دارد.

حقیقت آن است که هنوز نمی‌توان اندیشه سیاسی فمینیسم را در حد یک فلسفه سیاسی مستقل به رسمیت شناخت. آنچه امروزه به این نام خوانده می‌شود یا نقد و حاشیه‌ای بر فلسفه سیاسی رایج است یا مجموعه‌ای از انگاره‌ها و نظریه‌های پراکنده سیاسی که تا رسیدن به ساحت یک فلسفه مدون هنوز فاصله فراوان دارد. هر نظریه سیاسی پیش از هر چیز باید از دو ویژگی برخوردار باشد: 1. به لحاظ نظری، قدرت تبیین پدیده‌ها و تحلیل ریشه‌ای مسائل را در یک نظام جامع داشته باشد. 2. از نظر عملی، کارآمدی خود را در شرایط عینی جامعه به اثبات رساند. در خصوص نظریات سیاسی فمینیسم، این جنبش هنوز نتوانسته است در باب موقعیت سیاسی زنان و شیوه‌های مشارکت زنان در عرصه قدرت به یک نظریه روشن دست یابد.

به هر حال، برخی از فمنیست‌ها و غیرفمنیست‌ها اخیراً دریافته‌اند که رویکرد سیاسی مدرن و پستمدرن هیچ کدام در عمل نمی‌تواند به افزایش قدرت سیاسی زنان در جامعه کمک کند، بلکه ارتقای شأن اجتماعی زنان تنها در سایه به رسمیت‌شناختن هویت زنانه و کارویژه زنان در ساختار نظام اجتماعی و در هماهنگی کامل و عادلانه با نقش‌های مردانه است. این گرایش اگر چه هنوز به صورت یک فلسفه سیاسی مستقل پدیدار نگشته اما به نظر می‌رسد این گفتمان جدید زمینه بهتر و بیشتری را برای گفتگو میان فمنیست‌ها و دیگران فراهم سازد.

منابع

1- فمینیسم و دانش‌های فمینیستی

2- جامعه‌شناسی زنان